






در یکی از روستاهای روسیه، مردی به نام ایوان زندگی می‌کرد. ایوان، مردی ثروتمند و موفق بود که به خاطر موقعیت اجتماعی و دارایی‌هایش شناخته شده بود. با این حال، او به شدت نگران آینده‌اش و نحوه‌ی استفاده بهینه از منابع و فرصت‌هایش بود. ایوان هر روز با سوالاتی در ذهنش دست و پنجه نرم می‌کرد و به دنبال پاسخی برای آن‌ها می‌گشت او تصمیم گرفت که برای پیدا کردن پاسخ سوالاتش، به نزد یک حکیم معروف در دوردست برود. ایوان به حکیم گفت: «من سه پرسش دارم که برایم بسیار مهم است. اولین سوال من این است: چه زمانی بهترین زمان برای انجام کارهاست؟ دومین سوال: چه کسانی مهم‌ترین افراد در زندگی من هستند؟ و سومین سوال: چه کاری است که بیشترین فایده را برای من و دیگران دارد؟»





حکیم با نگاهی آرام و تفکرآمیز به ایوان گفت: «پاسخ به این سوالات به سادگی ممکن است. اما تو باید خودت راهی را پیدا کنی و به حقیقت این سوالات پی ببری.» ایوان با توجه به پاسخ حکیم، به خانه برگشت و تصمیم گرفت که به دنبال جوابها بگردد. او روزها و شبها به تفکر پرداخت و سعی کرد تا با استفاده از تجربه‌های زندگی‌اش، به این سوالات پاسخ دهد. او مسیر دایره‌ای به شعاع ۲ متر را دائم راه می‌رفت و به دور خودش می‌چرخید و فکر می‌کرد. اولین سوال: «چه زمانی بهترین زمان برای انجام کارهاست؟» ایوان تصمیم گرفت که به این سوال با توجه به تجربیاتش پاسخ دهد. او به این نتیجه رسید که بهترین زمان برای انجام کارها، زمانی است که انسان احساس می‌کند که به آن کار علاقه‌مند است و با تمام وجودش در آن کار مشغول است. او فهمید که وقتی کاری را با علاقه و اشتیاق انجام دهد، نتیجه بهتری خواهد گرفت و احساس رضایت بیشتری خواهد کرد. دومین سوال: «چه کسانی مهم‌ترین افراد در زندگی من هستند؟» ایوان به این نتیجه رسید که مهم‌ترین افراد در زندگی او، خانواده و دوستان نزدیکش هستند. او متوجه شد که روابط انسانی و ارتباطات نزدیک با دیگران، از جمله خانواده و دوستان، بیشترین ارزش را دارند و به او احساس حمایت و محبت می‌دهند.



سومین سوال: «چه کاری است که بیشترین فایده را برای من و دیگران دارد؟» ایوان به این نتیجه رسید که بهترین کار، انجام فعالیت‌هایی است که به دیگران کمک کند و به جامعه فایده برساند.

او فهمید که با کمک به دیگران و انجام کارهای خیریه، می‌تواند به خود و دیگران شادی و رضایت بدهد. با پاسخ‌هایی که برای این سوالات پیدا کرده بود، ایوان تصمیم گرفت که زندگی‌اش را تغییر دهد و به جای تمرکز بر روی ثروت و موقعیت اجتماعی، به ارزش‌های انسانی و کمک به دیگران توجه کند. او شروع به مشارکت در فعالیت‌های خیریه و کمک به نیازمندان کرد و روابط نزدیکتری با خانواده و دوستانش برقرار کرد.

ایوان در پایان زندگی‌اش به این نتیجه رسید که حقیقتاً پاسخ سوالاتش را یافته و با زندگی پر از رضایت و آرامش مواجه شده است.

با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. مهم‌ترین افراد در زندگی ایوان چه کسانی بودند؟

.....

۲. چه کاری بیشترین فایده را برای ایوان و دیگران داشت؟

.....

۳. به نظر ایوان، چه زمانی بهترین زمان برای انجام کارها بود؟

.....

۴. ایوان چگونه تصمیم به تغییر زندگی‌اش گرفت؟

.....

۵. ایوان به چه سوالاتی در زندگی‌اش فکر می‌کرد؟

.....

۶. حکیم به ایوان چه پاسخی داد؟

.....

۷. مساحت دایره ای که ایوان به دورش می‌چرخید را حساب کنید.

.....

۸. اگر ایوان نصف مسیر دایره را طی کند، مساحت نیم دایره چقدر خواهد شد؟

.....

۹. محیط مسیر دایره ای ایوان را به دست آورید.

.....